

مفهوم سکوت و بررسی آثار آن در خودسازی افراد جامعه با تاکید بر روایات اهل

بیت علیهم‌السلام

^۱ سمانه سادات سدیدپور

^۲ فاطمه محرمی

^۳ سید مجید نبوی

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۹)

چکیده

از ابزار خودسازی افراد در جامعه، کنترل زبان است. این پژوهش قصد دارد با رویکرد تحلیلی-روایی پاسخ دهد که اثر سکوت بر خودسازی افراد جامعه بر اساس متون روایی چیست لذا ابتدا مفهوم شناسی سکوت و خودسازی در دو قالب معنا ارائه شده و در ادامه آثار سکوت در خودسازی ارائه می‌گردد. روش جمع‌آوری مطالب در این پژوهش، کتابخانه‌ای بوده و روش تحقیق توصیفی تحلیلی می‌باشد. پس از بررسی‌ها مشخص شد که: ۱- هدف از سکوت در اسلام پرورش عقل است، پس باید کلام را سنجید و آن را به عقل عرضه داشت، اگر در راه رضای الهی بود، آن را به زبان جاری کرد و اگر این‌طور نبود، سکوت بهتر از تکلم است. ۲- باید سکوت را به اعتبار گوینده آن رتبه داد، مهم است که هدف گوینده رضای الهی باشد. ۳- قوت اندیشه، رستگاری، محبت، پنهان ماندن عیوب، آسایش، حکمت، وقار، صبر از آثار سکوت هستند.

کلید واژه‌ها: خودسازی، سکوت، صمت.

^۱ دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران: sama.sadid@gmail.com

^۲ پژوهشگر علوم و معارف قرآن حوزه علمیه تهران moharrami.fm@gmail.com

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث: majidnabavi۱۳۶۶@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

در هر مرحله‌ای از ایمان نیز حتی مؤمنان نیازمند تجدید ایمان خود هستند. تقویت عزم و اراده‌ی انسان در رضایت انتخاب خدا بین انتخاب‌های مختلف، مورد پسند خدای متعال است. خودسازی برای انسان یک امر حیاتی و سرنوشت‌ساز محسوب می‌شود. در اهمیت خودسازی همین بس که پیامبران آمدند تا راه خودسازی و پرورش و تکمیل نفس را به انسان‌ها بیاموزند و در این امر حیاتی و سرنوشت‌ساز رهنما و مددکارشان باشند. پیامبران آمدند تا نفوس انسان‌ها را از رذایل و اخلاق زشت و صفات حیوانیت پاک و منزه سازند و فضائل و مکارم اخلاق را پرورش دهند (امینی، ۱۳۷۵: ۱۳) بی‌شک بحث‌های اخلاقی از زمانی که انسان گام بر روی زمین گذارد آغاز شد، زیرا خداوند از همان زمانی که حضرت آدم علیه السلام را آفرید و ساکن بهشت ساخت مسائل اخلاقی را با اوامر و نواهی‌اش به او آموخت. سایر پیامبران الهی یکی پس از دیگری به تهذیب نفوس و تکمیل اخلاق که خمیرمایه سعادت انسان‌ها است پرداختن. تا بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که از کامل‌ترین مصادیق خودسازی هستند. چنانچه روایت «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»، به روایت معروفه یاد می‌شود و به روایت تتمیم مکارم اخلاق معروف است. (طباطبایی، ۱۹/۱۴۱۷: ۳۷۷).

کتاب‌هایی مانند ارشاد دیلمی، مصابیح القلوب سبزواری، مکارم الاخلاق حسن بن امین الدین، والآداب الدینیه امین الدین طبرسی و محجۀ البیضاء فیض کاشانی آثار بسیار بزرگی در زمینه خودسازی هستند. برای خودسازی، پرداختن به زبان، نقش سکوت و اهمیت آن همواره مورد توجه علمای علم اخلاق بوده‌است. چراکه زبان نماینده عقل و شخصیت انسان است و مهم‌ترین دریچه‌ای است که به روح انسان گشوده می‌شود. با توجه به خطراتی که از آزاد گذاشتن زبان دامن‌گیر انسان می‌شود، بزرگان اخلاق سکوت را در مواردی که سخن گفتن ضرورتی ندارد به‌عنوان یکی از طرق پیشگیری از آن خطرات بزرگ شمرده‌اند و درباره آن روایات فراوانی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام رسیده که اهمیت آن را کامل و روشن می‌سازد، چنان‌که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «بیش‌تر اشتباه‌های انسان در زبان است» (فیض کاشانی، ۱۳۷۵: ۱۹۴ و طبرسی، ۱۳۷۹) زبان از نعمت‌های بزرگ خدا و لطایف عجیب خلقت و از احسان‌های با ارزش اوست. چه اینکه این عضو از نظر جسم کوچک و در مقام طاعت و عصیان بسی بزرگ است. کفر و ایمان که منتهی‌الیه طاعت و طغیان هستند جز با شهادت زبان معلوم نمی‌شوند. بنابراین سزاوار است که این عضو تحت حکم عقل و شرع قرار گیرد. از آن‌جهت که طبع انسان تمایل دارد زبان را آزاد گذاشته،

عنان آن را رها نماید، شرع مقدّس به حفظ و کنترل آن ترغیب بسیار نموده‌است تا از برخورد این دو، تعادل حاصل شود. (شبر، ۱۳۸۰: ۲۲۴) در حدیث معراج می‌خوانیم که خداوند به پیامبر ﷺ دستور سکوت می‌دهند: «ای محمد؛ بر تو باد که سکوت پیشه سازی همانا بهترین و آبادترین انجمن‌ها قلب‌های صالحان و ساکتان است و خراب‌ترین آن‌ها، قلب‌های یاوه‌گویان است» (دیلمی، ۱۴۱۲: ۱ / ۲۰۳) حضرت امیر علیؑ هم می‌فرمایند: «ایمان هیچ بنده‌ای درست نمی‌شود مگر اینکه قلبش درست شود و قلبش درست نمی‌شود تا آنکه زبان او راست و مستقیم شود» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵) و حضرت رسول اکرم ﷺ در وصایای خویش به ابوذر می‌فرماید: «آنچه را که به تو مربوط نمی‌شود رها کن و نگو آنچه را که ضرورت ندارد و زیانت را نگاهبان باش هم‌چنان که از مال و ثروت حراست می‌کنی»^۲ (طبرسی، ۱۳۷۰: ۴۶۰) و امام صادقؑ تأکید دارند: «خوشا به حال کسی که توفیق شناخت سخن خوب و بد را پیدا کند و به فواید و آثار پسندیده کم‌گویی و سکوت آگاه گردد، زیرا سکوت از اخلاق انبیای الهی و شعار بندگان برگزیده خداوند است و اگر کسی ارزش و قدر کلام را بداند بیجا سخن نمی‌گوید و سکوت را شعار خود قرار می‌دهد و کسی که بر او اشراف داشته باشد و صمت و خاموشی را امین خزانن و اسرار دل خویش قرار دهد چنین شخصی گفتار و خاموشی‌اش هر دو عبادت می‌شود و کسی جز خدا به حقیقت این عبادت آگاهی ندارد. (منسوب به امام صادقؑ، ۱۳۶۰، باب ۷۲) از این رو، در این پژوهش تمرکز ما روی سکوت در زمینه اخلاق است و قصد داریم با رویکرد توصیفی - تحلیلی به این پرسش پاسخ دهیم که اثر سکوت بر خودسازی چیست؟

پیشینه مطالعه

سکوت در رشته‌های مختلف روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، مدیریت، ادبیات، اخلاق، عرفان و حتی رشته‌های فنی مورد بررسی قرار گرفته است و در هر رشته معنای ویژه خود را دارد. از سقراط نقل شده‌است که: «پیش تمام دشمنان به نزدیک‌ترین دشمنت که زیانت هست توجه داشته باش».

^۱ یا أَحْمَدُ؛ عَلَيْكَ بِالصَّمْتِ فَإِنَّ أَعْمَرَ مَجْلِسَ قُلُوبِ الصَّالِحِينَ وَ الصَّامِتِينَ وَ إِنَّ أَخْرَبَ مَجْلِسَ قُلُوبِ الْمُتَكَلِّمِينَ بِمَا لَا يَعْنِيهِمْ.

^۲ دع ما لست منه في شيء فلا تنطق بما لا يعيتك و اخزن لسانك كما تخزن ورقك.

م - حمدزاده اشاره دارد بیش‌تر عرفا سکوت قلبی را مهم‌تر از سکوت ظاهری می‌دانند که در آن سراسر وجود ذاکر غیر زبانش به ذکر مشغول‌اند. در این مقاله این نتیجه حاصل می‌شود که با وجود شباهت‌های هر دو طریقه در ذکر قلبی و سکوت، در مسیحیت به علت تثلیث بر ذکر عیسی تأکید است و در هسوخیا ذاکر با غیبت از غیر در قلب خود بر تثلیث حضور می‌یابد (محمدزاده، ۱۳۹۸: ۱۶۵).

- رضایی، سرامی و قاری در پژوهش خود اشاره دارند که سخن و خاموشی به‌عنوان اساسی‌ترین موضوعات عرفانی است که همه عارفان در دوران سیر و سلوک خود بدان توجه داشته‌اند. با توجه به قائل سخن، وقتی حلاج انا الحق می‌گوید سخنش قطعاً سپید است و وقتی فرعون انا الحق بر زبان می‌راند، قطعاً سخنی سیاه را تداعی می‌کند پر از شرک و تباهی است و خاموشی نیز سپید و سیاه دارد خاموشی اگر همراه با توانایی و برای کسب رضای پروردگار باشد هم‌تراز سخن گفتن اهمیت دارد. این پژوهش نیز بر اهمیت سکوت عاقلانه با نیت جلب رضای الهی در تقوا تأکید دارد (رضایی، سرامی و قاری، ۱۳۹۷: ۱۹۳).

- اثر محصص دلالت دارد سکوت یا غیاب معنادار عناصر زبانی در نوشتار دارای کارکردهای مختلف و در تحلیل گفتمان، موضوعی حائز اهمیت است و به مثابه صورتی دلالت‌مند، کامل‌کننده گفتار و قادر به بیان اندیشه‌ها است. از این منظر که سکوت می‌تواند به نوعی، غیابی نسبی باشد و برخی رخدادها از خلال آن تفسیر می‌شوند، سکوت‌ها دلالت‌مند است و به عنوان بخشی از زبان، قصد تأثیر بر مخاطب به واسطه نگفتن پاره‌ای از اطلاعات و یا حذف اطلاعات را دارد. وجود نمونه‌هایی از سطوح سکوت ساختاری، معنایی و کاربردشناختی در این نامه، کارکرد ایجاز‌گویی، هم‌گرایی، تصویرسازی، فعال‌سازی ادراک مخاطب و عتاب‌گویی را به دنبال دارد (محصص، ۱۳۹۶: ۱۱۳).

- چناری و کرباسیان در بررسی نقش سکوت در تربیت دینی افراد اشاره دارند سکوت و خاموشی برابر واژه صمت و انصاف، به معنای عفت کلام است و در روایات دینی اسلامی، سکوت با مؤلفه‌هایی هم‌چون عقل ورزی، تفقه و حلم رابطه مستقیمی دارد. در نهایت این نتیجه به دست آمد که در نظام تعلیم و تربیت کنونی، به دلیل انتقال حجم وسیع اطلاعات و داده‌ها، زمانی برای تفکر و تأمل وجود ندارد و راه برطرف کردن این خلاء تجربه سکوت و فراهم کردن فرصتی برای آن است (چناری و کرباسیان، ۱۳۹۴: ۱۲۱).

-یلمه‌ها به صراحت اظهار می‌دارد سکوت و خاموشی از شرایط خلوت و از ابزارهای رسیدن به کمالات عرفانی است و دارای فواید و نتایجی است؛ برخی از عرفا اصل طریقت را سکوت دانسته‌اند؛ از آنجا که خاموشی دارای انواع و گونه‌هایی است و درباره سکوت صوفیان نظریات و عقاید گوناگونی وجود دارد، به گونه‌ای که برخی خاموشی را ترجیح داده و برخی گفتار را و سپس به مثنوی معنوی می‌پردازد که یکی از این آثار که سکوت و خاموشی عرفانی در آن بازتاب و جلوه خاصی دارد پردازد (یلمه‌ها، ۱۳۹۱: ۴۱).

-شاملی و بنائیان اصفهانی دریافتند واژه «سکوت» دارای یک سیستم معنایی است که باید عناصر مرتبط با آن را در مسیر تاریخی معنای لغوی استخراج کرد و از نظر اصطلاحی نیز می‌باید در تطورات دلالتی، مصادیق گوناگون آن در متون مختلف دینی، علمی و اخلاقی روشن شود. صمت یا سکوت، هم دارای ارزش‌های اخلاقی‌اند و هم کلامی. بنابراین، بسته به این‌که آن‌دو را در کجا به کار بریم، پیوسته بر مصادیق آن افزوده می‌شود. پس صمت یا سکوت از باب اشتراک معنوی تلقی می‌گردد. صمت یا سکوت با واژه‌گانی هم‌چون حکمت، حلم و علم ارتباط دارد و به همین دلیل در زبان اهل حدیث یکی از چهار رکن تفقه به‌شمار می‌آید (شاملی و بنائیان اصفهانی، ۱۳۸۸: ۴).

اگرچه تمام پژوهش‌های بحث مفهوم شناسی را انجام داده‌اند اما تفاوت این پژوهش با سایر پژوهش‌های صورت گرفته این است که در این مطالعه، بحث آثار سکوت در خودسازی مطرح است و نشان می‌دهد سکوت کردن چه تأثیری در خودسازی فرد و داشتن جامعه سالم دارد و تلاش دارد بستری علمی برای ایجاد انگیزه در انتخاب سکوت فراهم کند از این نظر شاید در وهله نخست به نظر برسد با مطالعه چناری و کرباسیان در بررسی نقش سکوت در تربیت دینی شباهت دارد اما نخست روش این مطالعه اجتهادی تفسیری و استنباطی است و بیش‌تر به چیستی تربیت دینی و نقش سکوت در فقه و عقل ورزی و حلم توجه داشته‌اند و از آیات و روایت برای تبیین استفاده کرده‌اند اما این مطالعه یک مطالعه اخلاقی است و تربیتی نیست و روش بحث روایی است هم چنین آثار سکوت را گسترده‌تر و خاص‌تر مورد توجه قرار داده‌است.

مفهوم شناسی سکوت و صمت در لغت.

سکوت فقط یک‌بار در قرآن آمده‌است (قرشی بنایی، ۳/۱۴۱۲: ۲۸۱)
سکت: السُّكُوتُ والسُّكُوتُ، مخالف نطق است (لسان العرب، ابن منظور) سکوت واژه‌ای عربی به

معنی خاموشی و سخن نگفتن است. در فرهنگ فارسی محمد معین زیر مدخل واژه‌ی سکوت چنین آمده است: «سکوت *tûsock*: خاموش شدن، ساکت شدن، خاموشی است. در لغتنامه دهخدا این واژه چنین معنی شده است: سکوت خاموش شدن است. در متون عربی سکوت در لغت به معنای سکوت، خاموش شدن، خاموشی، و با توانایی به سخن گفتن، ترک کردن آن است. (الکشاف، ج ۳، ص ۷) در قاموس قرآن سکت ریشه سکوت به معنی ترک سخن آمده است و چون سکوت توأم با نوعی سکون و آرامش است. سکون و سکوت از یک وادی است و جایگاهی نزدیک به هم دارند سکوت به معنای سکون زبان است هم چنین سکت بدین معناست که ساکت شد از موسی خشم و قلب او آرام گرفت. و گفته می‌شود مراد از سکوت، آرام گرفتن است (فخر رازی، ۸/۱۴۰۸: ۱۴۱۸؛ ۱۴۲۰: ۱۵/۳۷۴) صمت به فتح (ص) به معنی سکوت نیز به کار رفته است. انصات نیز سکوت توأم با استماع است و بعضی گفته‌اند: به معنای استماع با سکوت است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸/۴۹۹) در لغت صمت یعنی پرهیز از به زبان آوردن آنچه سودمند نیست (نراقی، ۱۳۸۳ ق: ۱۸۹).

سکوت و صمت در اصطلاح.

سکوت در علوم مختلف معانی متفاوتی دارد. در اصطلاح علم اخلاق دیدگاه‌های بزرگان در باب سکوت هم سو باهم است. سکوت به آدمی حیات خواهد بخشید و حرکت سکوتی که از سر عمد و انتخابی باشد سکوتی که فرد خود برگزیده باشد. با این سکوت است که فکر کردن و اندیشیدن تحقق خواهد یافت. سکوت، بستر اندیشیدن است. سکوت راه و معبر فکر کردن است. در کارگاه سکوت است که فکر ورزیده می‌شود و قوی می‌گردد. به عبارتی، فکر کردن با سکوت آغاز می‌شود (مطهری، ۱۳۷۴: ۴/۳۶) سکت در قرآن سکت به معنای ترک سخن است و چون سکوت توأم با نوعی سکون و آرامش است به استعاره گفته شده «وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ..» (سوره اعراف، آیه ۱۵۴) این تعبیر، تمثیل است؛ گویا خشم او را به کاری که انجام داد وادار می‌کرد و سکوت او را از فعل نادرست باز می‌داشت (طبرسی، ۱۳۷۵: ۳/۳۹) در ثواب الاعمال آمده است: «سکوتی که در آن فکر نباشد غفلت است» (ابن بابویه، ۱۴۰۶، ۱/۱۷۸) شبر سکوتی را تأیید می‌کند که همراه با اندیشیدن باشد. شبر تأیید می‌کند از آن جهت که طبع انسان تمایل دارد زبان را آزاد گذاشته، عنان آن را رها نماید، شرع مقدس به حفظ و کنترل آن ترغیب بسیار نموده است تا از برخورد این دو، تعادل حاصل شود (شبر، ۱۳۸۰: ۲۲۴) صمت از سکوت

بلیغ‌تر است و در قرآن صمت برگزیده شده است صمت یعنی آنجا که قدرت نطق وجود ندارد در حالی که سکوت به این معنا است که فرد قدرت به سخن گفتن دارد اما صحبت نمی‌کند.

خودسازی

خودسازی در لغت.

خودسازی با معانی متفاوتی مانند تهذیب، تزکیه، رستگاری و مانند آن مترادف ذکر شده است در قرآن کریم مسئله خودسازی، با عنوان تزکیه و تزکی مطرح شده و معنای لغوی آن عبارت است از: پاک نمودن خود از ناپاکی‌ها (طریحی، ۱۳۷۵: ۱ / ۲۰۳) دهخدا در لغتنامه خود ذیل واژه خودسازی آورده است که: «خودسازی [خود/ خُد] (حامص مرکب) به تهذیب اخلاق خود کوشیدن و ظاهر خود آراستن (غیاث اللغات) در فرهنگ فارسی عمید ذیل واژه به «۱- خویشتن سازی و ۲- تزکیه، تهذیب» اشاره شده است. خودسازی در عرب بیش‌تر به معنای تزکیه استفاده می‌شود که تزکیه برگرفته از ماده زکو به معنای پاکی، نمو، بالندگی، رشد، صلاح، شایستگی و مدح است. (ابن منظور، ۱۴۱۴/ ۶: ۶۴)

خودسازی در اصطلاح

علامه طباطبایی خودسازی را به معنای تطهیر و از بین بردن پلیدی‌ها و آلودگی‌ها - اعم از اعتقادات فاسد مانند: شرک و کفر و ملکات رذیله مانند تکبر و بخل و اعمال فاسد و شنیع هم - چون: کشتن، زنا و شراب‌خواری - می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱ / ۳۳۱) هم‌چنین در تفسیر ایشان خودسازی یا تزکیه به معنای پاک شدن از لوث تعلقات مادی دنیوی آمده که انسان را از امر آخرت منصرف کرده و مشغول تمتعات دنیوی می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰ / ۲۷۰) تهذیب از نظر معنای اصطلاحی فرآیندی درونی است که نشان‌دهنده پاک کردن نفس از آلودگی‌هاست.

ارزش سکوت در خودسازی روایات اسلامی

در روایات اسلامی به مسئله سکوت و ارزش و آثار آن اشاره شده است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

راه به سوی کمال حقیقی، نامتناهی است و فرصت خودسازی پیوسته به روی انسان گشوده است. (صدر، ۱۳۸۱: ۱۹۲) سکوت یکی از ابزار خودسازی است. حضرت امیر علیه السلام می‌فرمایند: «شخصیت انسان در زبانش نهفته است پس کلامت را بسنج و آن را به عقل عرضه دار، پس اگر در

راه رضای الهی بود، آن را به زبان جاری کن و اگر این‌طور نبود، سکوت بهتر از تکلم است» (مجلسی، ۱۳۶۴: ۱۶۳) سخن گفتن به‌خودی‌خود دارای ارزش بیش‌تری نسبت به سکوت است. در دعای سی و یکم امام سجاد علیه‌السلام سخن گفتن با خداوند متعال را تأیید می‌کنند که بهتر از خاموشی است و می‌فرمایند: «گناهانم - ای پروردگار من - مرا در عرصه رسوایی و خواری در پیشگاهت نشانده، پس اگر حرف نزنم؛ کسی از جانب من سخن نمی‌گوید و اگر از خود شفاعت کنم چنان نیستم که شفاعتم پذیرفته گردد» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۶: ۱۴۴) سکوت در صورت عدم وجود اولویت برای سخن گفتن مستحب است و در روایات بدان ترغیب شده است. در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام آمده است: «بنده مؤمن تا زمانی که ساکت است، نیکوکار نوشته می‌شود و چون لب به سخن گشاید، نیکوکار یا گنه‌کار نوشته می‌شود و نیز به نقل از آن حضرت آمده است. سکوت، گنج فراوان و زینت شخص بردبار و پوشش فرد نادان است» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ / ۱۲: ۱۸۴ - ۱۸۵) امیر مؤمنان علیه‌السلام در ابیاتی که منتسب به ایشان است فرموده‌اند: «ای نفس، اگر سخن تو نقره است، سکوت طلاست» (مبیدی، ۱۳۸۱: ۶۹) و سکوت را به اعتبار گوینده آن رتبه داده‌اند و فرموده‌اند: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ... إِذَا سَكَتَ فَكَّرَ... وَالْمُنَافِقُ إِذَا سَكَتَ سَهَا؛ سکوت مؤمن تفکر و سکوت منافق غفلت است» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۲۱۲) پس سکوت مؤمن نشانه عقل و فکر اوست.

نکته این است که سکوت فی نفسه ارزشمند نیست بلکه به موقعیت بستگی دارد. سخن گفتن درباره حق بهتر از سکوت است^۳ (ابن بابویه، ۱۳۶۷: ۴ / ۳۹۶) و سکوت مومن نسبت به سخن گفتن منافق ارجحیت دارد. در این رابطه، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند: «هنگامی که مؤمن را خاموش ببینید به او نزدیک شوید که دانش و حکمت به شما القاء می‌کند و مؤمن کم‌تر سخن می‌گوید و بسیار عمل می‌کند و منافق بسیار سخن می‌گوید و کمتر عمل می‌کند»^۴ (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۳۸۳) البته سکوت و سخن گفتن مؤمن هر دو نیک و با ارزش است چون هدف او کسب رضایت خدای متعال است.

^۱ لَمْ يَنْطِقْ عَنِّي أَحَدٌ، وَإِنْ شَفَعْتَ فَلَسْتُ بِأَهْلِ الشَّفَاعَةِ.

^۲ إِنْ كَانَ مِنْ فَضَّةٍ كَلَامِكَ يَا نَفْسُ فَإِنَّ السُّكُوتَ مِنْ ذَهَبٍ

^۳ كَلَامٌ فِي حَقِّ خَيْرٍ مِنْ سُّكُوتٍ عَلَى بَاطِلٍ

^۴ إِذَا رَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ صَمُوتًا فَادْنُوا مِنْهُ فَإِنَّهُ يَلْقَى الْحِكْمَةَ وَالْمُؤْمِنَ قَلِيلَ الْكَلَامِ كَثِيرَ الْعَمَلِ وَالْمُنَافِقَ كَثِيرَ الْكَلَامِ قَلِيلَ الْعَمَلِ.

سکوت نمایشگر خوبی‌ها نیست اما سخن نیک می‌تواند نیکی‌ها را نشر دهد و یاور نیکوکاران

باشد

چنانچه از قول حضرت رسول ﷺ آمده است: «بهترین قلب‌ها، قلبی است که ظرفیت بیش‌تری برای خوبی دارد و بدترین قلب‌ها، قلبی است که ظرفیت بیش‌تری برای بدی دارد، پس عالی‌ترین قلب، قلبی است که خوبی را در خود دارد و لبریز از خوبی است. اگر سخن بگویند، سخنش درخور پاداش است و اگر سکوت کند، سکوتش درخور پاداش است» (خوئی، ۱۴۰۰: ۱۲/۳۱۶) و می‌فرماید: «نشانه عاقل فکر کردن و نشانه فکر کردن، سکوت نمودن است»^۱ (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۳۸۶) امام مجتبی علیه السلام در این زمینه تکلیف را روشن کرده‌اند و فرمودند: «سکوت یاور خوبی است در بسیاری از موارد، هرچند سخن‌گویی فصیح باشی» (ابن بابویه، ۱۳۷۷: ۴۰۱).

آثار سکوت در خودسازی

شیوه سخن گفتن نشانه عقل و اندیشه و شخصیت انسان است. خودسازی برای رسیدن به رضایت الهی دشوار است. سکوت به عنوان یکی از شرایط خودسازی دارای آثار متعددی است که در منابع اسلامی به آن‌ها اشاره شده است. چنانچه لقمان به فرزندش فرمود: «فرزند عزیزم! چه بسا که من در اثر گفتار پشیمان شده‌ام اما به خاطر سکوت افسوس نخورده‌ام»^۲ (بیهقی، ۱۳۷۶: ۱ / ۱۶۶) در روایتی از امام صادق علیه السلام در مصباح الشریعة آمده است که: " ۱- صمت، شعار آن‌هاست که به حقایق آنچه گذشته و قلم نوشته است، پی برده‌اند و به آن آگاه‌اند. ۲- صمت، مفتاح راحتی دنیا و آخرت است. ۳- صمت، مصون بودن از خطاها و لغزش‌هاست. ۴- صمت، پوشش جاهل و زینت علم است. ۵- در صمت، هوا را کنار گذاشتن است. ۶- در صمت، ریاضت نفس است. ۷- در صمت، حلاوت عبادت است. ۸- در صمت، عفاف و مروّت است. ۹- در صمت، زوال قساوت قلب است. ۱۰- در صمت، ظرافت و حسن خلق است. (منسوب به امام ششم، ۱۴۰۰، ۱۰۱). در این باره امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند: «بسیار خاموشی برگزین تا فکرت زیاد شود و

^۱ دلیل العاقل التفکر و دلیل التفکر الصمت.

^۲ نعم العون الصمت فی مواطن کثیره و ان کنت فصیحا.

^۳ یا بنی قد ندمت علی الکلام ولم اندم علی السکوت.

عقلت نورانی گردد و مردم از دست (و زبان) تو سالم بمانند!»^۱ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۵۷) در حدیث دیگری از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام آورده شده است که: «سکوت دری از درهای دانش است، سکوت دلیل و راهنمای همه خیرات است» (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۱ / ۵۳۴) اشاره شده در مرحله بالاتر سکوت یک عبادت است. در مواظب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر می‌خوانیم: «چهار چیز است که تنها نصیب مؤمن می‌شود، نخست سکوت است که سرآغاز عبادت هست»^۲ (میزان الحکمه، ماده صمت، حدیث ۱۰۸۰۵) و اشاره شده سکوت کلید ورود بهشت است. با مشخص شدن اهمیت آثار سکوت در روایات در ادامه به مصادیق آن از جمله قوت اندیشه، رستگاری، صبر، وقار، حکمت، آسایش، پنهان ماندن عیوب، محبت، عزت و خوش‌زبانی پرداخته می‌شود:

قوت اندیشه

اندیشیدن لوازمی دارد که یکی از مهم‌ترین این لوازم سکوت است تا به ذهن اجازه داده شود فکر کند پس سکوت، اندیشه را تقویت می‌کند البته هر سکوتی نمی‌تواند مقوی اندیشه باشد. در همین راستا، حضرت امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «هر سکوتی که در آن اندیشیدن نباشد، غفلت است» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱ / ۹۹) و می‌فرمایند: «الصمت آیه النبل و ثمره العقل خاموشی نشانه هوشمندی و نتیجه عقل و خرد است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ح ۱۳۴۳) از طرفی اشاره دارند «خاموشی بدون تفکر گنگی (لالی) است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ح ۱۲۷۹) و «الصمت روضه الفکر» سکوت بوستان (و جایگاه) فکر و اندیشه است (همان، ۱۴۱۰: ح ۵۴۶).

پس روشن است که سکوت در ارتباط با اندیشه دو کارکرد دارد می‌تواند محل تبلور اندیشه باشد یا ممکن است سکوت خالی از اندیشه باشد. در دو حدیث نقل شده از تمیمی آمدی منظور از سکوت، سکوت بارور کننده اندیشه است که انسان را از شیطان و وسوسه‌های او دور کند و بتواند با تأمل و تفکر و تعمق در آن چه موجب جلب رضایت خداست رفتار خود را اصلاح نماید. در ساخت سکوت است که فکر ورزیده می‌شود و قوی می‌گردد. فکر کردن با سکوت آغاز می‌شود. و در سکوت با کمک خیال نزد دانسته‌ها رفته و به‌جا به‌جایی آن‌ها خواهد پرداخت.

^۱ اکثر صمتک یتوفر فکرک و یستنر قلبک و یسلم الناس من یدک.

^۲ اربع لا یصیبهن الا مؤمن، الصمت و هو اول العبادة. ..

^۳ کل سکوت لیس فیه فکر فهو غفلة.

^۴ الصمت بغير تفکر خرس.

رستگاری

رستگاری در خودسازی است و از آثار سکوت اندیش ورزانه است در همین راستا در کتاب الوافی آمده است که شخصی خدمت رسول خدا ﷺ رسید و گفت: «درباره اسلام (و دستورهای آن) مطالبی بفرمایید که بدان عمل کنم و نیازی نباشد که از دیگران در این باره بپرسم پیامبر اکرم ﷺ فرمود: بگو به خدا ایمان آوردم و در این راه استوار باش. دیگر بار پرسیدم از چه چیز خود را حفظ کنم؟ پیامبر ﷺ به زبان خود اشاره کرد، یعنی از زبانت بترس و آن را کنترل کن» (فیض کاشانی، ۱۳۷۵: ۵ / ۱۹۳) و فرموده‌اند: «خداوند رحمت کند بنده‌ای را که سخن خیری بگوید و سودی ببرد و اگر سخن خیری برای گفتن ندارد، سکوت کند که سالم می‌ماند. صمت، موجب نجات سالک از مهالک و خطرات است» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴) در رساله لبّ اللباب فی سیر و سلوک اولی الألباب آمده است که حضرت رسول ﷺ می‌فرماید: «هرکس صمت اختیار کند نجات می‌یابد» (حسینی طهرانی، ۱۴۳۱: ۱۰۵).

سالک در حال صمت، سخن نمی‌گوید و تحت تلقین مبادی نفسانی و شیطانی و به تعبیری، تحت تلقین نفس و شیطان نیست و خود را از تحت تلقین این دو کنار کشیده است، از طرفی، طالب حق است و با ذکر و فکر به سوی او اقبال می‌کند پس تحت تلقین ملکی ربوبی قرار می‌گیرد و در نتیجه ابواب حکمت بر دل وی باز می‌شود و آنچه باید به او تلقین گردد، تلقین شده و دقیق طریق و اسرار وجود را دریافت می‌کند و در نتیجه، سلوک او سریع‌تر و کامل‌تر و مصون از لغزش‌ها می‌گردد. امام خمینی (ره) می‌فرماید: سکوت و حفظ زبان از لغو و باطل از فضایل و کمالات انسانی است. اختیار زبان را داشتن و این مار سرکش را تحت اختیار در آوردن از بزرگ‌ترین هنرمندی‌هاست که کم‌تر کسی می‌تواند به آن موفق شود و اگر کسی دارای چنین قدرتی شد، از آفات و خطرات بسیاری محفوظ می‌ماند (روح الله خمینی، ۱۳۸۲: ۳۸۶) رسول خدا ﷺ فرمودند: «نجات مؤمن در حفظ زبان اوست» (بهبودی، ۱۳۶۹: ۴۱۱) و نیز فرمودند: «کسی که می‌خواهد سالم بماند باید سکوت کند» (فیض کاشانی، ۱۳۷۵: ۳۹۱) پس برای سلامت طی کردن راه سیر به سوی خدای متعال و خودسازی، سکوت می‌تواند انسان را از مهلکه‌ها نجات دهد و کسی که از خطرات راه نجات یابد بی‌شک به رستگاری حقیقی دست یافته است.

^۱ اخبرنی عن الإسلام بامرٍ لا أسئلهُ عنه أحدٌ بعدك، قال: قلّ امنْتُ باللهِ ثم استقيمتُ؟ قلتُ فما أتقى؟ فأوماً بيده الي لسائله.

^۲ رحم الله عبدا تكلم خيرا فغنم اءو سكت فسليم.

صبر

هر کس سکوت کند به تدریج صبر او زیاد می‌شود و در برابر زیاده‌گویی دیگران، مصائب و حتی گناهان و وسوسه‌های نفس می‌تواند صبر کند. چنانچه در تحف العقول، در حدیثی از حضرت رسول ﷺ آمده است: مردی نزد آن حضرت آمد (و طالب سعادت و نجات بود) پیامبر ﷺ فرمود: آیا تو را به چیزی راهنمایی کنم که خدا به وسیله آن تو را وارد بهشت می‌سازد، عرض کرد آری! ای رسول خدا! سپس دستور به سکوت داد و امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «عالم باشی یا جاهل، خاموشی را برگزین تا بردبار به شمار آیی. زیرا خاموشی نزد دانایان زینت و در پیش نادانان پوشش است» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۲۶/۲۷) امام رضا علیه السلام فرمود: «از علامات انسان فهیم در دین، بردباری، علم و سکوت است. ^۱» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۱۱۳) پس بردباری از آثار سکوت است که به پیروزی انسان در دنیا و آخرت می‌انجامد.

وقار

بزرگان دین، سکوت را راهی برای کسب وقار دانسته‌اند. از این روی، به مسلمان توصیه شده - است دنبال کسب وقار باشند در همین راستا، ابن شعبه حرانی از حضرت امیر علی علیه السلام نقل کرده که ایشان به کمیل فرمود: «آرام باش، خود را مشهور منما، خود را نهان ساز تا زبانزد مردم نشوی، دنبال یادگیری باش تا یادگیری، سکوت اختیار کن تا سالم مانی، وقتی که خدا تو را با دین خود آشنا ساخت، باکی نیست که تو با مردم آشنا نباشی و آنان نیز با تو آشنا نباشند. ^۲» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۳۷۵) و فرموده‌اند: «سکوت بسیار موجب هیبت می‌شود. ^۳» (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۴) «سکوت لباس وقار بر تو می‌پوشاند و مشکل عذرخواهی را از تو برمی‌دارد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، شماره ۱۸۲۷) چراکه سخن گفتن زیاد موجب لغزش خواهد شد و لغزش‌ها سبب می‌شوند فرد مومن مجبور شود از دیگران پوزش بطلبد هم‌چنین ایشان فرموده‌اند: «اگر در سخن

^۱ عَلَيْكَ بِالصُّمْتِ تَعَدُّ حَلِيمًا جَاهِلًا كُنْتُ أَوْ عَالِمًا فَإِنَّ الصُّمْتَ زَيْنٌ لَكَ عِنْدَ الْعُلَمَاءِ وَ سِتْرٌ لَكَ عِنْدَ الْجُهَّالِ

^۲ من علامات الفقه الجلم و العلم و الصممت، أن الصممت باب من ابواب الحكمة إن الصممت يكسب المحبة إنه دليل على كل خير.

^۳ فاصمت لسانك الا من خير.

^۴ بكثره الصمت تكون الهيبة.

^۵ الصمت يكسيك الوقار، و يكفيك مئونة الاعتذار.

گفتن، بلاغت بوده باشد، در سکوت سلامت از لغزش‌ها است^۱ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۳۷۱۴) هم‌چنین امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: «کم‌گویی، حکمت بزرگی است، بر شما باد به خموشی که آسایش نیکو و سبک‌باری و سبب تخفیف گناه است»^۲ (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۳۹۴) امام مجتبی علیه السلام نیز می‌فرماید: «انسان خاموش هیبت و عظمتش زیاد است»^۳ (حلوانی، ۱۴۰۸: ۷۲) پس با خاموش بودن و کم سخن گفتن انسان می‌تواند خود را باوقار و با عظمت و بزرگ نشان دهد مگر اینکه سخن گفتنی همراه با بلاغت داشته باشد و او را مجبور نکند عذرخواهی کند.

حکمت

سکوت کردن سبب می‌شود حکمت فزونی یابد و سکوت کردن از لوازم حکیم شدن است. به کمک ابزار حکمت نوعی تشخیص در فرد بوجود می‌آید که به فرد قدرت می‌دهد پسند و ناپسند را به کمک فکر کردن بیابد و به پسند بی‌نهایت یعنی خدای متعال دست یابد (ابن سینا، ۱۳۶۰: ۱۲۸) سکوت دری برای گشودن حکمت است چنانچه امام رضا علیه السلام فرمود: «همانا سکوت یکی از درهای حکمت است»^۴ (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱۵۹/۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به صراحت در این رابطه فرمودند: «خود را ملزم به سکوت طولانی کن، چراکه این کار موجب طرد شیطان بوده و در کار دین، یاور توست»^۵ (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۳۳۵) امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «زبان عاقل در پشت قلب او جای دارد و قلب احمق پشت زبان اوست»^۶ (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۴۷۶) پس مؤمن هرگاه بخواهد سخنی بگوید نخست می‌اندیشد، اگر نیک بود می‌گوید و اگر ناپسند بود از گفتن آن خودداری می‌کند اما شخص دورو و منافق آنچه بر زبان او جاری می‌شود می‌گوید و نمی‌داند کدام سخن به سود او و کدام سخن به زیان او هست. بسیار هستند کسانی که از سخن گفتن نادم و پشیمان هستند اما به خاطر سکوت هیچ‌گاه اظهار ندامت نمی‌کنند.

^۱ ان كان في الكلام بلاغة ففي الصمت السلامة من العثار.

^۲ قَلِيلٌ الْمُنْطِقِ حُكْمٌ عَظِيمٌ فَعَلَيْكُمْ بِالصَّمْتِ فَإِنَّهُ دَعْوَةٌ حَسَنَةٌ وَقَلِيلٌ وَزِرٌّ وَخَفَّةٌ مِنَ الذُّنُوبِ.

^۳ قد اكثر من الهيبه الصامت.

^۴ إن الصمت باب من أبواب الحكمة.

^۵ عَلَيْكَ بِطَوْلِ الصَّمْتِ فَإِنَّهُ مَطْرَدَةٌ لِلشَّيَاطِينِ وَعَوْنٌ لَكَ عَلَى أَمْرِ دِينِكَ.

^۶ لسان العاقل وراء قلبه و قلب الاحمق وراء لسانه.

آسایش

سکوت از عباداتی است که برای انجام دهنده خود آسایش به همراه می‌آورد و خود آسوده‌ای برای افراد فراهم می‌کند در این زمینه، در معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، از پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایتی آمده است که ایشان فرموده‌اند: «آیا به شما بگویم که چه عبادتی ساده‌ترین عبادت‌هاست؟ سکوت و خوش‌اخلاقی^۱» (کراجکی، ۱۳۵۳: ۶۰) در مضمون این روایت از کلام امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام هم‌چنین روایت شده است که: «سکوت، کلید هر راحتی در دنیا و آخرت است^۲» (منسوب به امام ششم عَلَيْهِ السَّلَام، ۱۰۱) ایشان اظهار داشته‌اند که: «خواب مایه آسایش جسم، سخن مایه آسایش جان و سکوت مایه آسایش عقل است^۳» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴/ ۴۰۲، ح ۵۸۶۵) وقتی سکوت باشد فرد تفکر می‌کند که خوب و بد، پسندیده و ناپسند کدام است پس از عقل خود استفاده می‌کند و عقل ورزیده می‌شود و به جای تحمل سخنان لغو و بیهوده به آسایش دست می‌یابد.

پنهان ماندن عیوب

از آثار سکوت پنهان ماندن عیوب افراد است. حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «پرگویی و زیاده‌گویی، باعث کثرت خطا و اشتباه می‌شود^۴» (نهج البلاغه، حکمت ۳۴۹). باز می‌فرماید: «اگر دوستدار سلامت جان خود و پوشیده ماندن عیب‌هایت هستی، کمتر سخن گوی و بیش‌تر خاموش باش، تا فکر و اندیشه‌ات فزونی گیرد و دلت نورانی شود^۵» (همان، حکمت ۲۷۹) لذا در دعای مکارم الاخلاق آمده است: «خدایا! به‌جای هرزه‌گویی، بدگویی، گواهی دروغ، غیبت انسان مؤمنی که غایب است، دشنام به مؤمنی که حاضر است و هرچه که مصداق سوءاستفاده از زبان است، مرا موفق کن که گفتارم در سپاس تو و اغراق در ستایش تو و تمجید تو و شکرگزاری نعمت تو و اعتراف به نیکی‌هایی که به من کردی و شمارش منت‌های تو، باشم» و امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام هم‌چنین می‌فرماید: «کسی که گفتارش اندک باشد، عیبش نابود می‌شود^۶» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ح ۱۷۸۷۹)

^۱ اءلاء خیرکم باءیسر العبادۃ و اءهونها علی البدن، الصمت و حسن الخلق.

^۲ الصمت... مفتاح کل راحة من الدنیا و الاخرة.

^۳ النَّوْمُ رَاحَةٌ لِلْجَسَدِ وَ النَّطْقُ رَاحَةٌ لِلرُّوحِ وَ السُّكُوتُ رَاحَةٌ لِلْعَقْلِ.

^۴ مَنْ كَثَرَ كَلَامَهُ كَثَرَ خَطَاؤُهُ

^۵ اِنْ احببتَ سلامۃ نفسک و ستر معایبک فأقلل کلامک و أكثر صمتک یتوفّر فکرك و یستنیر قلبک

^۶ مَنْ قَلَّ کلامه بطل عیبُهُ.

۱۷۸۷۹) همین‌طور ایشان فرمود: «کم‌گوی تا از ملامت در امان مانی»^۱ (همان، ۱۴۱۰: ح ۲۲۸۳) وقتی فردی سکوت می‌کند لازم نیست برای اثبات ایده خود در سخن از هر راهی استفاده‌کند پس عیوب او پنهان می‌ماند و برای فردی که سکوت کرده باشد و مردم عیوب او را ندانند، برطرف کردن عیوب آسان‌تر است.

محبت

از دیگر آثار سکوت این است که بین افراد محبت ایجاد می‌کند البته سکوتی که به جای خشم استفاده شود نه سکوتی که به معنای بی‌توجهی باشد. این سکوت محبت فرد را در قلب طرف مقابل می‌گذارد. امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «سکوت محبت می‌آورد و راهنمای هر خیری است»^۲ (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱/ ۲۵۸) و امام سجاد علیه السلام فرمود: «زبان خویش را نگهدار، تا دوستی تو با برادران (دینی‌ات) پا برجا بماند»^۳ (بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۱۵) وقتی هرچه بخواهیم در روابط با دوستان به زبان بیاوریم بی‌شک ابتدا آنچه را می‌گوییم که باعث آزار ما شده‌است و در این رنج چه‌بسا دوستان ما هم دخیل بوده باشند. از این‌رو وقتی ذهن آن را پریشان کنیم و موجب ملامت خاطر ایشان را با سخن گفتن‌های بی‌موقع خود فراهم سازیم این سبب می‌شود که دوستان خود را به‌تدریج از دست بدهیم و ایشان از هم‌نشینی با ما ابا داشته باشند. سکوت موجب می‌شود پیوندها از هم گسسته نشود و محبت در جامعه افزایش یابد. وقتی فردی با سکوت در دل دیگران محبت ایجاد می‌کند در قلب خود نیز کدورت را مدیریت کرده‌است پس گام موثری در خودسازی برداشته‌است.

نتیجه‌گیری

خودسازی و تهذیب نفس از جمله مسائلی است که در دین اسلام نسبت به آن بسیار سفارش شده‌است. هدف خدای متعال تقویت این عزم و اراده است. پس دستورات دین اسلام در مسیری است که این اراده در مسلمانان تقویت شود و وقتی امر به تفکر می‌کند می‌خواهد اراده انسان در انتخاب گفتارش تقویت شود به همین دلیل در مرتبه‌ای بالاتر از دین مسیحیت انواعی از سخن گفتن مانند غیبت، دروغ، تهمت و مانند آن حرام دانسته می‌شود.

^۱ اقل الکلام تأمن الملام.

^۲ إِنَّ الصَّمْتَ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ.

^۳ احفظ عليك لسانك تملك به اخوانك.

اما صرف سخن نگفتن در اسلام توصیه نمی‌شود چراکه سخن یکی از نعمت‌های الهی است که می‌توان با کمک آن به سعادت رسید. آنچه در اسلام حائز اهمیت است مدیریت کلام است نه این‌که صورت مسئله را پاک کرده باشد

این مطالعه بدست آورد که :

- ۱- سکت، مخالف نطق است. سکوت واژه‌ای عربی است به معنی خاموشی و سخن نگفتن.
- ۲- باید کلام را سنجید و آن را به عقل عرضه داشت، پس اگر در راه رضای الهی بود، آن را به زبان جاری کند و اگر این‌طور نبود، سکوت بهتر از تکلم است.
- ۳- سکوت را به اعتبار گوینده آن رتبه داده‌اند و سکوت و سخن گفتن مؤمن هر دو نیک و با ارزش است.
- ۴- قوت اندیشه، رستگاری، محبت، پنهان ماندن عیوب، راحتی، حکمت، وقار و صبر از آثار سکوت هستند.
- ۵- همان‌طور که در ادیان دیگر نیز به روزه سکوت سفارش شده‌است در اسلام نیز به سکوت و حفظ زبان گوشزد شده‌است اما در اسلام هدف پرورش عقل نیز هست، به این ترتیب که صرف روزه سکوت و حرف نزدن ملاک نیست بلکه انسان مسلمان باید در مرحله بالاتر توجه کند چه کلامی را استفاده می‌کند و کلام ناشایست را مراقبت کند و کلام نیکو بگوید که در مراحل خودسازی انسان مؤثرتر است.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ۱- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبء الله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم، چاپ اول، ۱۳۶۲ش.
- ۳- ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه من لا یحضره الفقیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۷ش.
- ۴- ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲ش.
- ۵- ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، ترجمه محمدی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.
- ۶- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.
- ۷- ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، قم، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- ۸- ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
- ۹- ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- ۱۰- ابن سینا، دانش نامه علایی، تصحیح احمد خراسانی، ترهان: کتابخانه فارابی، ۱۳۶۰ش.
- ۱۱- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ش.
- ۱۲- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ترجمه حسن زاده، قم، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
- ۱۳- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- ۱۴- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ۲۰جلد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی - ایران - مشهد مقدس، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
- ۱۵- امام چهارم علیه السلام، الصحیفه السجادیه، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
- ۱۶- امینی، ابراهیم، خودسازی (تزکیه و تهذیب نفس)، قم، شفق، ۱۳۷۵ش.
- ۱۷- بیهقی، محمد، المحاسن و المساوی، نشر بیروت، ۱۳۷۶ش.
- ۱۸- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
- ۱۹- چناری، مهین؛ کرباسیان، فاطمه (۱۳۹۴)، جایگاه زبان سکوت در تربیت دینی. نشریه علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، سال سوم شماره ۲: صص ۱۲۱-۱۴۶
- ۲۰- حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر، نزهة الناظر و تنبیه الخاطر، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
- ۲۱- خمینی، سیر روح الله، چهل حدیث مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ بیستم، ۱۳۷۸ش.

- ۲۲- دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
- ۲۳- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دمشق، دار العلم، ۱۴۱۲ ق.
- ۲۴- رضایی، مریم؛ سرامی، قدمعلی و محمدرضا قاری، «بررسی سخن و خاموشی سیاه و سپید»
- ۲۵- در اندیشه و آثار مولانا جلال الدین بلخی و شمس تبریزی، فصلنامه عرفان اسلامی، شماره ۵۵، ۱۳۹۷ ش.
- ۲۶- شاملی، نصر الله، بنائیان اصفهانی، علی، «تبیین میدان معناشناسی صمت (سکوت) در نهج البلاغه»، مشکوه، پاییز، شماره ۱۰۴، ۱۳۸۸ ش.
- ۲۷- شبیر، عبدالله، اخلاق، تهران: انتشارات هجرت، ۱۳۸۰ ش.
- ۲۸- شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للمصباحی صالح)، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
- ۲۹- شهید ثانی، زین الدین بن علی، شرح مصباح الشریعه، ترجمه عبد الرزاق گیلانی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
- ۳۰- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
- ۳۱- صدر، محمدباقر، سنت‌های تاریخ در قرآن، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۱ ش.
- ۳۲- طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی - ایران - مشهد مقدس، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.
- ۳۳- طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
- ۳۴- طهرانی، سید محمد حسین حسینی، رساله لبّ اللباب فی سیر و سلوک اولی الألباب، دار المحجّه البیضاء - بیروت: چاپ چهارم، ۱۴۳۱ ق.
- ۳۵- فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، دار إحياء التراث العربی، لبنان: نشر بیروت، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.
- ۳۶- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
- ۳۷- قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، دار الکتب الإسلامیة، ایران، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ش.
- ۳۸- قمی، عباس، کلیات مفاتیح الجنان، مترجم مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: انتشارات نقش نگین، ۱۳۸۹ ش.
- ۳۹- کراجکی، محمد بن علی، معدن الجواهر و ریاضة الخواطر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۳ ش.

- ۴۰- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
- ۴۱- محمص، مرضیه، «کار بست گفتمان سکوت در تحلیل نامه امیر مومنان علیه السلام به معاویه»، پژوهش‌های نهج البلاغه، شماره ۵۳، ۱۳۹۶ ش.
- ۴۲- محمدزاده، سیدناذر، «مقایسه ارتباط صمت و هسوخیا و ذکر قلبی در طریقه هسوخیایی و تصوف: ادیان و عرفان»، بهار و تابستان، ۵۳، شماره ۱، ۱۳۹۹ ش.
- ۴۳- مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، تهران: انتشارات صدرا، ج ۴، ۱۳۷۴ ش.
- ۴۴- منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم علیه السلام، مصباح الشریعه، ترجمه مصطفوی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۰ ش.
- ۴۵- میبدی، حسین بن معین الدین، دیوان امیر المؤمنین علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
- ۴۶- هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه (خوئی) - تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۰ ق.
- ۴۷- یلمه‌ها، احمدرضا، «صمت و خاموشی از دیدگاه عرفا»، عرفان اسلامی، شماره ۳۲، ۱۳۹۱ ش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی